



قلم از کالاهای اساسی (سویا، کنجاله سویا، جو دامی و ذرت) است و منابع تأمین و فرایند تسویه مالی خرید این کالاها به شدت تحت تأثیر تحریم‌ها است. این دو عامل سبب می‌شود در عمل با تورمی روبه‌رو شویم که هم از جهت تغییر انتظارات و هم از جهت تورم فشارهزینه (Cost-push inflation) حاصل شده است. به علاوه، این تورم به‌طور مستقیم تأثیر خود را بر گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌گذارد؛ بنابراین نگرانی‌های اجتماعی جدی نیز برای دولت در پی دارد. دولت در برابر تورم ناشی از به هم خوردن اقلام تراز پرداخت، ناچار است در قالب‌های مختلفی برای جبران اجتماعی اقدام کند. این جبران اجتماعی به صورت انواع و اقسام همسان‌سازی حقوق‌ها، شمول فوق‌العاده خاص‌ها و رتبه‌بندی حقوق معلمان است. اما این موارد با منابع مالی ناکافی انجام شده و سبب کسری بودجه خواهد شد. به علاوه، تحت تأثیر فشار تورمی رخ داده است. به این ترتیب، تحریم‌ها از مسیرهای مختلفی چه از سمت منابع و چه از سمت مصارف بر بودجه تأثیرگذار است.

در چنین وضعیتی، با توجه به مشکلاتی که هم در منابع بودجه و هم در مصارف بودجه پیش آمده، به دولت پیشنهاد می‌شود که به سیاست‌های مالی انبساطی روی بیاورد؛ یعنی بکوشد از جامعه قرض بگیرد و بیش از ظرفیت درآمدی خود هزینه کند. به‌طور طبیعی برای انجام این پیشنهاد، دولت می‌بایست به سمت فروش اوراق و موارد مشابه برود. اما در دوره‌هایی که اقتصاد کشور دچار تورم بالای ناشی از تکانه‌ها و عدم اطمینان‌های ارزی است، سیاست‌های انبساط مالی باد و چالش عمده مواجه می‌شود؛ اول این که بخت دولت برای فروش

اما واگرهای سیاست مالی انبساطی